فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۳

بخش اول: شناخت شرایط دعاوی و احکام، صلاحیت‌ها و اصحاب دعوا به صورت نموداری ... ۱۷

فصل اول: مبانی و کلیات آیین دادرسی مدنی ۱۹

مقدمه ۱۹
تعریف آیین دادرسی مدنی ۲۲
تمایز آیین دادرسی عمومی و اختصاصی ۲۶
اصول و مقررات آیین دادرسی مدنی ۲۷
قلمرو آیین دادرسی مدنی ۳۱
فایده آیین دادرسی مدنی ۳۵
ویژگی های آیین دادسی مدنی ۳۹
اوصاف مقررات آیین دادسی مدنی ۴۲
اصول حاکم بر دادرسی در امور مدنی ۴۶
اصل: عمومیت قانون آیین دادرسی مدنی ۴۶
اصل: درخواست رسیدگی ۴۷
اصل: تکلیف رسیدگی ۴۷
اصل: تعیین تکلیف به طور خاص (خاص بودن موضوع حکم قضایی) ۴۸
اصل: قاطعیت آراء ۴۹

اصل: رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه ۵۰
اصل: ترتیب و رسیدگی دو مرحله ای ۵۰
اصل: فراغ دادرس ۵۱
اصل: فوریت و عطف به ماسبق شدن قانون ۵۱
اصل: مرجعیت عام دادگاه های عمومی دادگستری ۵۵
اصل: آمره بودن مقررات آیین دادرسی مدنی ۵۶
اصل: تناظر ۵۷
اصل: قابلیت استماع دعاوی ۵۹
در باب دعاوی ۶۶
تعریف دعوا ۶۶
شرایط اقامه دعوا ۶۷
اقسام دعاوی ۷۳
خلاصه فصل ۷۸

فصل دوم: تصمیمات دادگاه‌ها ۸۱
مقدمه ۸۱
اصل درخواست رسیدگی ۸۲
مستثنیات اصل درخواست؛ اقدامات رأس دادگاه ۸۳
تکلیف دادگاه به رسیدگی و منابع صدور رأی ۸۴
اصل تکلیف دادگاه به رسیدگی و فصل خصومت ۸۴
ترتیب استناد قاضی به منابع حقوقی برای صدور رأی ۸۶
جایگاه قانون در برابر منابع فقهی ۸۷
حکم امتناع قاضی مجتهد در صورت خلاف شرع دانستن قانون ۸۸
تمییز جهات موضوعی و جهات حکمی در دعوا ۹۰
جهات موضوعی و جهات حکمی ۹۰
موارد نیاز به اثبات جهات حکمی ۹۱
انواع تصمیمات و اعمال دادگاه‌ها ۹۳
مبانی احکام ۹۳
مبانی قرارها ۱۰۵
قرارهای تأمینی و موقت ۱۱۸

اعمال و تصمیمات حسبی ۱۲۰
دستورات قضایی ۱۲۵
دستورات اداری ۱۲۶
تصمیمات ساده قضایی ۱۲۸
خلاصه فصل ۱۳۲

فصل سوم: صلاحیت دادگاه‌ها و مراجع قضایی ۱۴۱
مقدمه ۱۴۱
قواعد حاکم بر صلاحیت ۱۴۲
انواع صلاحیت ۱۴۴
صلاحیت ذاتی ۱۴۷
تعریف و ویژگی‌ها ۱۴۷
معیارهای سه‌گانه صلاحیت ذاتی ۱۴۸
نحوه تعیین صلاحیت ذاتی ۱۵۰
صلاحیت محلی ۱۵۴
تعریف صلاحیت محلی ۱۵۴
معیارهای تعیین صلاحیت محلی ۱۵۵
استثنائات صلاحیت محلی ۱۵۷
توافق طرفین در گسترش دامنه صلاحیت محلی ۱۶۹
قرار اناطه ۱۷۰
صلاحیت نسبی ۱۷۶
دادگاه صلح، شوراهای حل اختلاف و صلاحیت آنها ۱۷۷
ارکان و ساختار ۱۷۷
صلاحیت نسبی دادگاه صلح ۱۷۸
صلاحیت محلی دادگاه صلح ۱۸۰
صلاحیت شورای حل اختلاف در امر صلح و سازش ۱۸۱
موانع رسیدگی و حل اختلاف در صلاحیت ۱۸۴
تکلیف دادگاه در مواجهه با عدم صلاحیت ۱۸۴
اختلاف در صلاحیت ۱۸۵
مراجع حل اختلاف در صلاحیت ۱۸۷

خلاصه فصل ۱۸۹

فصل چهارم: اصحاب دعوا و وکالت ۱۹۳

مقدمه ۱۹۳

حق داشتن وکیل در دادرسی ۱۹۳

محدودیت تعداد وکیل در امور مدنی و کیفری ۱۹۴

وکیل معاضدتی و تسخیری ۱۹۶

شرایط وکالت در دعاوی ۱۹۷

مراجع تصدیق وکالت‌نامه ۱۹۸

عزل، استعفا، فوت و تعلیق وکیل دادگستری در جریان دادرسی ۲۰۰

امتناع وکیل از رویت ابلاغ ۲۰۱

نمایندگان حقوقی ۲۰۲

وکالت در دیوان عدالت اداری و امور حسبی ۲۰۴

حدود اختیارات وکیل ۲۰۶

خلاصه فصل ۲۰۹

بخش دوم: قامه دعوا و رسیدگی به دعاوی، طرق اعتراض به دعاوی و فروعات دادرسی به صورت نموداری ۲۱۷

فصل اول: اقامه دعوا و جریان دادرسی ۲۱۹

مقدمه ۲۱۹

اقامه دعوا و جریان دادرسی ۲۲۱

چیستی دادخواست ۲۲۱

شرایط دادخواست ۲۲۳

بررسی تفصیلی موارد توقیف دادخواست ۲۲۷

جریان دادخواست از زمان تقدیم تا شروع جلسه دادرسی ۲۳۲

آثار تقدیم دادخواست و تفاوت آن با اظهارنامه ۲۳۴

ایرادات ۲۴۱

انواع دفاع ۲۴۱

مفهوم ایراد و مهلت طرح آن ۲۴۲

انواع ایرادات ۲۴۴
ضمانت اجرای ایرادات و نحوه رسیدگی ۲۶۱
رد دادرس ۲۶۴
جهات رد دادرس ۲۶۴
تشریفات رسیدگی به ایراد رد دادرس ۲۶۶
جلسات دادرسی و اصول حاکم ۲۶۹
انواع جلسات دادرسی ۲۶۹
اصل علنی بودن دادرسی ۲۷۰
تشریفات و حقوق اصحاب دعوا در اولین جلسه دادرسی ۲۷۲
افزایش، کاهش و تغییر خواسته یا درخواست ۲۷۴
تأخیر و تجدید جلسه دادرسی ۲۷۶
صدور رأی نسبت به جزئی از دعوا ۲۷۸
توقیف دادرسی ۲۸۰
موارد توقیف دادرسی ۲۸۰
آثار قرار توقیف دادرسی ۲۸۲
بررسی موارد خاص ۲۸۴
استرداد دعوا یا دادخواست ۲۸۶
دعاوی طاری ۲۸۹
تعریف و شرایط ۲۸۹
دعوای اضافی ۲۹۱
دعوای متقابل ۲۹۲
دعوای ورود ثالث (اصلی و تبعی) ۲۹۴
خلاصه فصل ۳۰۱

فصل دوم: دادرسی فوری و تأمینی ۳۰۷
مقدمه ۳۰۷
تأمین خواسته ۳۰۸
موارد صدور قرار تأمین خواسته ۳۱۰
شرایط درخواست ۳۱۲
نحوه صدور و اعتراض به قرار تأمین ۳۱۴

تبدیل تأمین، مطالبه خسارات ناشی از اجرا ۳۱۵
تأمین دعوای واهی ۳۱۸
تأمین اتباع بیگانه ۳۲۰
دادرسی فوری ۳۲۲
ویژگی‌ها و خواص دستور موقت ۳۲۴
تشریفات درخواست و مرجع صالح ۳۲۶
اجرا، اعتراض و رفع اثر ۳۲۹
خلاصه فصل ۳۳۳

فصل سوم: خاتمه دادرسی و آرای دادگاه ۳۳۷
مقدمه ۳۳۷
صلح و سازش ۳۳۷
مرجع صالح و تشریفات ۳۳۹
تنظیم گزارش اصلاحی و آثار آن ۳۴۱
صدور رأی ۳۴۳
ویژگی‌های حکم ۳۴۴
انواع احکام ۳۴۵
انواع قرارها ۳۴۷
نحوه انشای رأی و تصحیح آن ۳۴۹
نیابت قضایی ۳۵۱
خلاصه فصل ۳۵۴

فصل چهارم: طرق اعتراض و شکایت از آرا ۳۶۹
مقدمه ۳۶۹
علت و زمان وقوع شکایت از رأی ۳۷۰
مرجع رسیدگی مجدد ۳۷۱
طرق شکایت از آراء ۳۷۲
مصادیق طرق شکایت از آرا ۳۷۳
بررسی طرق شکایت از دو جهت ۳۷۴
از جهت آثار شکایت ۳۷۶

واخواهی ۳۸۰
حکم حضوری و غیابی ۳۸۱
اجرای حکم غیابی و اخذ تأمین ۳۸۲
مهلت و تشریفات دادخواست واخواهی ۳۸۳
آثار واخواهی ۳۸۴
بررسی دعاوی طاری در مرحله واخواهی ۳۸۵
نکات واخواهی ۳۸۶
تجدید نظر خواهی ۳۸۸
موانع تجدیدنظرخواهی ۳۹۰
جهات تجدیدنظرخواهی ۳۹۵
اقدامات دادگاه تجدیدنظر ۳۹۷
امکان طرح ادعای جدید و دلیل جدید ۳۹۹
صدور حکم غیابی در مرحله تجدیدنظر و واخواهی از آن ۴۰۱
فرجام‌خواهی ۴۰۷
آرای قابل فرجام ۴۰۸
موانع فرجام‌خواهی ۴۱۱
انواع فرجام‌خواهی ۴۱۳
آثار فرجام‌خواهی ۴۱۵
موارد نقض رأی در دیوان عالی کشور ۴۱۷
اقدامات پس از نقض ۴۱۹
اعاده دادرسی ۴۲۳
انواع اعاده دادرسی (اصلی و طاری) ۴۲۵
جهات اعاده دادرسی ۴۲۶
مهلت و مرجع تقدیم دادخواست اعاده دادرسی ۴۲۹
آثار اعاده دادرسی ۴۳۱
اعاده دادرسی در دیوان عدالت اداری ۴۳۲
اعاده دادرسی در دادگاه صلح ۴۳۵
اعتراض ثالث ۴۳۷
آرای قابل اعتراض ثالث ۴۳۷
انواع اعتراض ثالث، مبانی و شرایط آن ۴۳۸

مبنای حقوقی اعتراض ثالث ۴۴۰
اصحاب دعوای اعتراض ثالث ۴۴۰
آثار اعتراض ثالث ۴۴۲
مرجع تقدیم دادخواست و ترتیب رسیدگی ۴۴۳
اعتراض ثالث نسبت به آراء در دیوان عالی کشور ۴۴۶
اعتراض ثالث از آرای داوری ۴۴۶
اعتراض ثالث به آرای صادره در دیوان عدالت اداری ۴۴۷
اعتراض ثالث در امور حسبی ۴۴۷
اعتراض ثالث از آرای دادگاه صلح ۴۴۷
خلاصه فصل ۴۵۰

فصل پنجم: متفرعات آیین دادرسی مدنی ۴۶۷
مقدمه ۴۶۷
داور و داوری ۴۶۸
شرایط و قابلیت ارجاع اختلاف به داوری ۴۶۹
شرایط داور ۴۷۰
نحوه تعیین داور ۴۷۱
حقوق و مسئولیت داور ۴۷۲
آیین داوری ۴۷۳
موارد زوال داوری ۴۷۴
آثار رأی داور ۴۷۵
راه‌های شکایت از رأی داوری ۴۷۶
هزینه‌های دادرسی ۴۷۹
اعسار ۴۸۲
تعریف اعسار و انواع آن ۴۸۲
فلسفه، شرایط و تشریفات اثبات اعسار ۴۸۳
آثار حکم اعسار ۴۸۶
دعاوی تصرف ۴۸۸
انواع دعاوی تصرف و دعاوی مشابه ۴۹۲
شرایط احراز دعاوی تصرف ۴۹۵

آیین دادرسی و اجرای رأی ۵۰۰
خسارت تأخیر تأدیه ۵۰۶
نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه ۵۰۹
انواع خسارت تأخیر تأدیه در رویه قضایی ۵۱۰
ارائه دلیل جدید در حین دادرسی ۵۱۳
قاعده اولیه و مبنای قانونی آن در نظام دادرسی ایران ۵۱۳
استثنائات وارده بر قاعده اولیه ۵۱۵
رویه قضایی ۵۱۷
راهکار میانه ۵۱۸
آیین رسیدگی دعاوی غیر منقول بر اساس قانون الزام ۱۴۰۳ ۵۲۱
تحول در قابلیت استماع دعاوی ۵۲۱
تحول در نظام ادله اثبات دعوا ۵۲۳
تحول در رسیدگی به دعاوی خاص ۵۲۴
تحول در اجرای احکام و تصمیمات قضائی ۵۲۸
تحول در رسیدگی به دعاوی پیش‌فروش ساختمان و مشارکت در ساخت ۵۲۹
ضمانت اجرای کیفری ۵۳۰
آثار قانون الزام بر رسیدگی ۵۳۲
خلاصه فصل ۵۳۳

پیشگفتار

آیین دادرسی مدنی را باید زبان اجرای عدالت دانست؛ مجموعه‌ای از قواعد و سازوکارهایی که حق را از مرحله ادعا به مرحله اثبات و اجرا می‌رساند. اگر حقوق مادی، بیان‌کنندهٔ «آنچه باید باشد» است، آیین دادرسی مدنی راه و روش تحقق آن در عرصهٔ عمل به شمار می‌آید. در فقدان این قواعد، حتی روشن‌ترین و مستندترین حق نیز ممکن است در پیچ‌وخم تشریفات، ایرادات و موانع شکلی گرفتار شود و به نتیجه نرسد. از همین رو، اهمیت آیین دادرسی تنها در مباحث نظری آن خلاصه نمی‌شود، بلکه ارزش واقعی آن در توانایی هدایت دقیق و منظم یک دعوا از آغاز تا پایان آشکار می‌گردد.

تجربهٔ تدریس و مواجهه عملی با پرونده‌های قضایی نشان داده است که دشواری اصلی آیین دادرسی مدنی نه در پیچیدگی مفاهیم بنیادین آن، بلکه در چگونگی اجرای مرحله‌به‌مرحله قواعد در جریان واقعی دادرسی است. دانشجو، وکیل و حتی گاه قاضی جوان، در هر مرحله از رسیدگی با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌شود که پاسخ به آنها مستقیماً بر سرنوشت دعوا اثر می‌گذارد: اگر دادخواست ناقص باشد چه باید کرد؟ در صورت طرح ایراد عدم صلاحیت، روند قانونی چگونه ادامه می‌یابد؟ دعوای متقابل چه تغییری در مسیر رسیدگی ایجاد می‌کند؟ آثار هر یک از طرق اعتراض نسبت به رأی چیست و در چه مواردی اجرای حکم را متوقف می‌سازد؟

کتاب حاضر با درک همین نیاز بنیادین نگاشته شده است؛ نیازی به ترسیم «الگوریتم دادرسی» و ارائه تصویری روشن، منظم و کاربردی از فرآیند رسیدگی مدنی. هرچند در نظام حقوقی ایران

آثار ارزشمند فراوانی در تبیین نظری آیین دادرسی مدنی وجود دارد، اما جای کتابی که خواننده را همچون نقشه‌ای مرحله‌به‌مرحله از آغاز دعوا تا صدور رأی و شیوه‌های اعتراض به آن همراهی کند، همچنان خالی بوده است. این اثر می‌کوشد فاصله میان نظریه و عمل را با زبانی روشن، ساختاریافته و فرآیندمحور کاهش دهد و دادرسی را نه مجموعه‌ای پراکنده از مواد قانونی، بلکه جریانی منسجم و قابل‌فهم نشان دهد.

ویژگی محوری این کتاب، نگاه الگوریتمی و فرآیندی به دادرسی است. مباحث به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که خواننده در هر مرحله بتواند بداند اکنون در چه موقعیتی قرار دارد، قاعدهٔ حاکم چیست و نتیجهٔ احتمالی آن قاعده چه خواهد بود. جلد نخست به مبانی دادرسی، شرایط اقامهٔ دعوا، صلاحیت‌ها، انواع تصمیمات دادگاه و وضعیت اصحاب دعوا اختصاص یافته و جلد دوم، جریان عملی رسیدگی را از تقدیم دادخواست تا صدور رأی و طرق شکایت از آراء دنبال می‌کند. در این میان، موضوعاتی چون ایرادات، دعاوی طاری، تأمین خواسته، دادرسی فوری، داوری، اعسار و دعاوی تصرف نیز در پیوند با فرآیند کلی دادرسی تحلیل شده‌اند.

برجسته‌ترین نوآوری کتاب، طراحی فلوچارت‌های اختصاصی برای هر مبحث اساسی است. این نمودارها صرفاً جنبه تزئینی یا آموزشی ساده ندارند، بلکه بر اساس منطق تصمیم‌گیری قضایی و با بهره‌گیری از روش‌های نوین آموزش بصری تنظیم شده‌اند تا مسیرهای مختلف دادرسی را به شکلی روشن و کاربردی نمایش دهند. خواننده می‌تواند تنها با دنبال‌کردن شاخه‌های هر فلوچارت، روند کامل یک مبحث را در ذهن بازسازی کند و از نتیجه نهایی هر تصمیم یا اقدام آگاه شود. این ویژگی، کتاب را هم به ابزاری آموزشی برای دانشجویان و داوطلبان آزمون‌های حقوقی تبدیل می‌کند و هم به نوعی «چک‌لیست دادرسی» برای وکلا و فعالان حرفه‌ای.

در کنار این ویژگی، در پایان هر فصل خلاصه‌های مروری و دسته‌بندی‌شده‌ای ارائه شده است که مهم‌ترین قواعد، استثنائات، ضمانت‌اجراها و آرای مؤثر را به صورت فشرده و منظم گرد آورده‌اند. این خلاصه‌ها برای مرور سریع، جمع‌بندی مطالعات و استفاده عملی در فرایند رسیدگی طراحی شده‌اند.

از سوی دیگر، این کتاب عامدانه از ورود بی‌ثمر به اختلافات صرفاً نظری و مباحثی که در عمل قضایی کاربردی ندارند پرهیز کرده است. مبنای اصلی تحلیل‌ها، رویهٔ غالب دادگاه‌ها و نیاز عملی دادرسی بوده و تنها در موارد ضروری، اختلاف دیدگاه‌ها با اشاره‌ای کوتاه و روشن مطرح شده‌اند تا خواننده در میان انبوه اقوال و نظریات سرگردان نماند. همچنین در سراسر کتاب، تلاش شده است هر قاعده در پیوند با کاربرد عملی آن توضیح داده شود؛ از نمونه‌های دادخواست و لوایح گرفته تا تبیین آثار هر ایراد، هر قرار و هر طریق اعتراض.

از دیگر ویژگی‌های این اثر می‌توان به تفکیک دقیق انواع تصمیمات قضایی، بررسی تطبیقی دعاوی طاری، تحلیل جهات حکمی و موضوعی، و نیز پرداختن به موضوعاتی چون نیابت قضایی در جایگاه واقعی آن در فرآیند خاتمهٔ دادرسی اشاره کرد؛ مباحثی که در بسیاری از منابع یا به اختصار برگزار شده‌اند یا جایگاه منسجمی نیافته‌اند.

کتابی که پیش روی شماست، حاصل سال‌ها تجربه عملی در دادگاه‌های حقوقی، تدریس در دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و بررسی گستردهٔ آرای قضایی و پرونده‌های واقعی است. هدف از نگارش آن، فراهم آوردن دایرةالمعارفی حجیم و صرفاً نظری نبوده، بلکه تلاشی بوده است برای ساختن راهنمایی کاربردی، منظم و قابل‌اعتماد که در جریان واقعی دادرسی بتواند یاری‌گر دانشجو، وکیل، کارآموز قضایی و قاضی باشد.

امید آنکه این اثر بتواند در فهم دقیق‌تر آیین دادرسی مدنی و در نهایت، در مسیر تحقق عدالت آیینی، سودمند و راهگشا واقع شود.

سیدنیما نوروزی (نوری) زنجانی

۱۴۰۴ خورشیدی – تهران

بخش اول:

شناخت شرایط دعاوی و احکام، صلاحیت‌ها و اصحاب دعوا

به صورت نموداری

فصل ۱

مبانی و کلیات آیین دادرسی مدنی

مقدمه

آیین دادرسی مدنی دستگاه روش‌مندی است که به موجب آن، استیفای حقوق خصوصی در مراجع قضایی تحقق می‌یابد. این آیین نه به عنوان مجموعه‌ای از تشریفات خشک، بلکه به عنوان نظامی هماهنگ از اصول و مقررات، بستر اجرای عدالت را فراهم می‌سازد. قانون‌گذار این نظام را در سه بخش متمایز، اما به‌هم پیوسته تنظیم کرده است: «بخش آیین» که مواد یک تا چهل‌وهفت قانون آیین دادرسی مدنی را دربر می‌گیرد و در آن، شالوده‌های نظری و ساختاری فرآیند دادرسی مدنی بیان شده است؛ «بخش دادرسی» که از ماده چهل‌وهشت تا پانصد و یک ادامه می‌یابد و جریان رسیدگی در دادگاه را به شیوه‌ای تفصیلی تنظیم می‌کند؛ و سرانجام «بخش مدنی» که مواد پانصد و دو تا پانصد و بیست‌ونه را شامل می‌شود و مقررات مربوط به هزینه‌ها، خسارات و اجرای احکام را سامان می‌دهد. همین سه‌گانه، ساختار کامل و منسجم آیین دادرسی مدنی را پدید آورده و امکان اعمال آن را در مراحل مختلف دادخواهی فراهم کرده است؛ دادخواهی که خود در قالب هفت عنوان بنیادین در دادرسی مدنی جلوه‌گر می‌شود: «دادخواه، دادگاه، دادخواست، دادرس، دادرسی، دادنامه و دادورز».

در رأس این مجموعه، ماده یک قانون آیین دادرسی مدنی قرار دارد که با بیانی موجز و دقیق، فلسفه وجودی این آیین را آشکار می‌سازد و آن را «اصول و مقررات ستاندن داد مدنی» معرفی می‌کند. این تعریف بر تمایز بنیادین میان «اصول» و «مقررات» تأکید دارد؛ اصول به معنای قواعد بنیادین و غیرقابل تخصیص و مقررات به معنای تشریفات و شیوه‌های اجرایی. اصول، ماهیتی فراگیر دارند و نه تنها بر دعاوی مدنی بلکه بر دعاوی تجاری، امور حسبی، امور خانواده، دعاوی تصرف، داوری و حتی رسیدگی در دیوان عدالت اداری حکومت می‌کنند. بدین ترتیب، هیچ‌یک از فروضی که قلمرو اصول را محدود به بخشی از دعاوی می‌دانند، صحیح نیست و قلمرو اصول، مطلق و عام است. در مقابل، مقررات هرچند در دعاوی مدنی و تجاری حاکم‌اند، اما با ورود به حوزه قوانین خاص چون امور حسبی، خانواده، شوراهای حل اختلاف، دیوان عدالت اداری یا دعاوی تصرف، ممکن است به سبب پیش‌بینی تشریفات خاص یا سکوت قانون خاص، حدود شمول‌شان تغییر یابد. بدین ترتیب، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در همه‌جا جریان دارند، مگر آنکه قانون خاص، مقررات متفاوتی وضع کرده باشد یا ترتیب دیگری مقرر داشته باشد؛ با این توضیح که هرگاه قانون خاص ساکت باشد یا به آیین دادرسی مدنی ارجاع دهد، مقررات عام این قانون باز هم حاکم خواهد بود.

قانون‌گذار در مواد یک تا نه، مجموعه اصول بنیادین حاکم بر دادرسی مدنی را بیان کرده است؛ اصولی همچون اصل تناظر، اصل درخواست رسیدگی، اصل تکلیف دادرس به رسیدگی، اصل تعیین تکلیف به طور خاص، اصل قطعیت آرای قضایی، اصل رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه، اصل ترتیب و دو مرحله‌ای بودن رسیدگی، اصل فراغ دادرس و اصل فوریت و اثر فوری قانون جدید. این اصول به حکم قانون در تمام دعاوی و حتی در نظام‌های دادرسی خاص جاری‌اند و استثنایی بر حکومت آن‌ها جز در مواردی که قانون تصریح کرده باشد، وجود ندارد. از این رو، می‌توان گفت مواد یک تا نه «قوانین فراگیر» آیین دادرسی مدنی‌اند و قواعد آن‌ها حتی در حوزه‌هایی چون داوری، امور حسبی، دعاوی تصرف یا نظام‌های دادرسی موضوع قوانین خاص نیز معتبر و لازم‌الاتباع است.

در برابر این اصول، مواد ده تا پانصد و بیست‌ونه قرار دارند کـه مقـررات و تشـریفات دادرسـی را تنظیم می‌کنند. مقررات ناظر به صلاحیت، شرایط اقامه دعوا، دادخواست، نحوه رسیدگی، صورت جلسات، ادله اثبات، صدور حکم و قرار، اجرای احکام و نیز جریان‌های فرعی دادرسی مانند تأمین خواسته، دستور موقت، دعاوی طاری، دعاوی تصرف و سازوکار جمع‌آوری ادله است. این مقررات، در اصل، عام و لازم‌الاتباع‌اند، مگر آنکه قانون خاص ترتیب دیگری مقرر داشته باشد؛ با این تفاوت که اصول همواره مقدم بر مقررات خاص‌اند و مقررات عام نیز در صورت سکوت یـا ارجـاع قـانون خاص، دوباره احیا و اعمال می‌شوند.

دادرسی مدنی در ذات خود، مجموعه‌ای از مراحل پی‌درپی است. آغاز آن با درخواست متقاضیِ دارای نفع، سمت و اهلیت است که مطابق ماده دو، باید اقامه دعوا کند و جز در موارد منصـوص، رسـیدگی بدون درخواست آغاز نمی‌شود. جریان دادخواست، مرحله مستقلی است که هنوز دادرسی در آن آغـاز نشده و موضوعاتی مانند شرایط دادخواست، بهـای خواسـته، ابـلاغ، ایـرادات، توقیـف دادخواسـت، رد دادخواست و عدم پذیرش مطرح می‌گردد. پس از ورود دعوا به مرحله دادرسی، مباحثی چون تشکیل جلسه، توقیف دادرسی، قرار رد دعوا و عدم استماع مطرح می‌شود و نباید ایـن دو جریـان بـا یکـدیگر خلط گردند. در کنار این دو مسیر اصلی، راه‌های فرعی همچون تأمین خواسته، دستور موقت، دعـاوی طاری، دعاوی تصرف و قواعد ادله، جریان دادرسی را تکمیل می‌کنند.

در برابر دادرسی قضایی، قانون‌گذار دو مسیر دیگر برای استیفای حـق پـیش‌بینـی کـرده اسـت: داوری که مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، هم قبل و هم در اثنـای رسـیدگی و حتـی پس از آن قابـل رجـوع اسـت و رأی داور هماننـد رأی محـاکم عمـومی توسـط اجـرای احکـام دادگستری اجرا می‌شود؛ و سازش که به موجب مواد مربوط، در هر مرحله از دادرسـی یـا حتـی خارج از آن، به صورت رسمی یا عادی قابل تحقق است و از حیث اجرا تابع قانون اجرای احکـام خواهد بود. بدین ترتیب، آیین دادرسی مدنی نظامی چندمسیره است که در آن، دادرسی قضایی، داوری و سازش هر سه ابزار قانونی ستاندن حق به شمار می‌روند.

در قلمرو صلاحیت نیز، اصل بر صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی و انقلاب است و رسیدگی در دادگاه‌های اختصاصی چون دیوان عدالت اداری، شوراهای حل اختلاف، هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، مراجع گمرکی و... استثناء بر این اصل تلقی می‌شود. با این حال، معیار اصلی برای تشخیص آیین حاکم بر رسیدگی، ماهیت دعواست نه عنوان مرجع. هرجا دعوا ماهیتی مدنی یا تجاری داشته باشد، اصول و مقررات آیین دادرسی مدنی، حسب مورد، جاری می‌گردد مگر آنکه قانون خاص ترتیب دیگری مقرر کرده باشد.

بدین ترتیب، آیین دادرسی مدنی را می‌توان مجموعه‌ای منسجم از اصول عام و مقررات تفصیلی دانست که در مراحل مختلف دادخواهی و در مسیرهای متفاوت ستاندن حق اعمال می‌شوند. اصول آن همواره و در همه‌جا نافذ است و مقررات آن تا زمانی که قانون خاص خلاف آن را مقرر نکرده باشد، جریان دارد؛ و در صورت سکوت قوانین خاص نیز این مقررات به عنوان قاعده عام به حیات خود ادامه می‌دهند. این نظام حقوقی، با ساختار دقیق و هماهنگ خود، تضمین‌کننده نظم قضایی و مستند اجرای عدالت در دعاوی خصوصی است.

تعریف آیین دادرسی مدنی

آیین دادرسی مدنی بر بستری شکل می‌گیرد که در آن حقوق افراد، علی‌رغم محترم بودن در عرف اجتماعی، گاه مورد انکار یا تجاوز قرار می‌گیرد. اگرچه اشخاص در زندگی روزمره معمولاً حقوق یکدیگر را رعایت می‌کنند و بسیاری از تعهدات مانند پرداخت دین، ایفای قرارداد یا اجرای تعهدات مالی بدون منازعه انجام می‌شود، اما این احترام پایدار و همیشگی نیست. قانون‌گذار نیز غالب تضییع حقوق را صرفاً ممنوع کرده و در بسیاری موارد برای آن ضمانت اجرای کیفری قرار نداده است. در این وضعیت، هرگاه صاحب حق بخواهد حق تضییع‌شده یا انکارشده خود را احقاق یا تثبیت کند، ناگزیر باید در مرجع صالح حقوقی علیه طرف مقابل اقامه دعوا کند. از همین نقطه است که دادرسی مدنی و قواعد حاکم بر آن مطرح می‌شود.